

و. نقش قضات و سیستم اتهامی

۱. در ایالات متحده و دیگر کشورها common law مسئولیت تحقیق قضیه ها، ارائه و تبادل اسناد و دیگر شواهد در میان جناح ها و تقدیم دعوا نزد یک قاضی بیطرف را طرف دعوی داشته نه یک قاضی . تیوری قسمیست که برخورد متقابل اتهامات در یک محکمه یک قاضی را اجازه میدهد تا از حقایق با خبر و نزاع حقیقی را حل و فصل نماید.
۲. در سیستم های حقوقی دیگر، قضات تحقیقات را راه اندازی نموده شواهد را جمع آوری و شهادت را از شاهد اخذ مینمایند. در ایالات متحده، کار جمع آوری شواهد و ارائه آن به محکمه توسط طرف دعوی و خارنوال صورت گرفته، بدون کمک قاضی.
۳. وکلا مسئول تبادل اسناد، بیانات شاهدین، و دیگر شواهد قبل از محاکمه شخص طی یک پروسه بنام اکتشاف ویا “discovery” میباشند. وکلا مسئولیت اخلاقی و حقوقی همکاری با یکدیگر را داشته، محکمه نیز در پروسه اکتشاف “discovery” دخیل بوده ولی محدود به تعیین نمودن محدوده زمانی، کنترل قییم، موضوعات کم پهنا، حل اختلافات میان وکلا، و آماده نمودن قضیه برای محاکمه میباشد.
۴. در یک استماع دعوی ویا محاکمه، استنباط شهادت معمولاً توسط قاضی صورت نمیگیرد. قاضی مسئول مطرح نمودن سوالات از شواهد جهت روشن ساختن موضوع، عملی شدن قانون، و جلوگیری از سمت دهی نادرست هیات منصفه میباشد.
۵. نقش یک قاضی آمریکائی انکشاف حقایق نه، بلکه تنظیم پروسه قانونی میان جناح ها و تطبیق قانون میباشد.

ز. طرز العمل ها و تفکیک قضایی

۱. با بعضی استثنائات، طرز العمل محاکم در قوانین آمریکایی گنجانیده نشده اند. بلکه قوه قضایه صلاحیت نوشتن طرز العمل های را دارا بوده ، که حیثیت قوانین تصویب شده توسط قوه مقننه را داراست.
- الف - در سیستم فدرال، کنفرانس قضایی مسئول ترتیب مسوده طرز العمل قوانین و شواهد به همکاری قضات، وکلا، و انجمن علمی میباشد. بعداً قوانین جهت تصویب به ستره محکمه ایالات متحده ارائه میشود. کانگرس آمریکا مدت هفت ماه قانوناً وقت دارد که طی آن، قانون را رد ویا معطل قبل از اجرا آن میتواند، ولی بندرت این کار را میکند.

ب - در سیستم های ایالات، ستره محکمه ایالتی مسئول صدور قوانین محاکم بوده، و در حصه ترتیب مسوده این قوانین اتکا به کمیته های قضات، وکلا، و اساتید مینمایند.

۲. طرز العمل قوانین آمریکایی صلاح دید های وسیع را جهت شکل دادن روندها در اختیار قضات قرار داده است.

الف - بسیاری از طرز العمل قوانین وسیعاً به رشته تحریر در آمده و این فرصت را برای قضات مهیا ساخته تا خلاها را پر و یا قضایا را در پیشگاه محاکم سازماندهی کنند.

ب - طرز العمل قانون مدنی فدرال وسیعاً تصریح مینماید که قوانین باید طوری تفسیر و تهیه شوند تا عدل را تأمین نمایند، سریع باشند، و تصامیم معقول برای هر جریان حقوقی را دارا باشد.

ج - اداره قضایا، حل و فصل، طرق بدیل حل و فصل منازعات و گفتگو با متهم در باره کاهش مجازات در بدل اعتراف وی "plea bargaining"

۱. اکثر قضایا در ایالات متحده با توافق جناح ها و یا تصمیم قانونی یک قاضی حل و فصل شده تا یک محاکمه.

۲. در قضایای مدنی، اکثر قضات عمیقاً دخیل پیشبرد قضایای خود اند. طرز العمل قوانین و تعلیمات قضایی هر دو بالای نکات ذیل تاکید میکنند.

الف - قاضی باید عهده هر قضیه را از ابتدا گرفته، و در قضیه برای وکلا یک تقسیم اوقات زمانی را مرتب نماید.

ب - خارنوالان در هر قضیه از طرف قاضی باید نظارت شوند تا از مصارف بی مورد، تأخیر، بی عدالتی در برابر طرفین جلوگیری شود.

ج - قاضی باید تبادل معلومات و شواهد را در بین طرفین مقدماً تسهیل نماید.

د - قاضی باید طرفین را تا جایی که میسر است به یک توافق تشویق کند، تا در یک حالت ابهام و تأخیر قرار نگرفته و هزینه محاکمه را متحمل نشوند.

هـ - قبل از محاکمه قاضی باید موضوعات را در یک قضیه با معزول نمودن ادعا های بی موجب محدود نماید.

و - اگر حقایق مورد نزاع نباشند، قاضی بدون راه اندازی محاکمه قضیه را در زمینه های قانونی باید فیصله نماید.

۳. روش های بدیل حل و فصل نزاع ها با همکاری متخصصین ورزیده (میانجیگری، حکمیت) وسیعاً قابل استفاده در محاکم فدرال و ایالتی میباشد. افزوده بر این، اکثر قضات خودشان مجالس و مذاکرت حل و فصل مسائل را در بین طرفین راه اندازی مینمایند

۴. در محاکم فدرال، قضات مجستريت ایالات متحده درگیر کارهای حل و فصل و مدیریت قضایا برای قضات نواحی میباشد.

۵. کمتر از ۵ فیصد قضایای مدنی با یک محاکمه مکمل از طریق رسیدگی اولویت حل و فصل میشود. حل و فصل ۹۵در صد بقیه توسط:

الف - تصمیم قاضی بر خاتمه بخشیدن قضیه

ب - ناتوانی مدعی در راه اندازی قضیه و برآوردن مقتضیات محکمه

ج - حل و فصل مسائل بین طرفین اکثراً در اثر تشویق قاضی

۶. در قضایای جنائی، اضافه تر از ۹۰درصد مدعی علیه اقرار به جرم در نتیجه گفتگو میان خارنوال و وکیل مدافع مدعی علیه مینماید.

الف - در سیستم فدرال، و در بعضی ایالات دیگر، قضات اجازه اشتراک در گفتگوهای قضایای جنائی را ندارند. ترجیهاً، خارنوال و مدعی علیه به یک plea bargain (گفتگو با متهم در باره کاهش مجازات در بدل اعتراف جرم) رسیده و جهت تصویب به محکمه ارائه میشود.

ب - قاضی اختیار رد و یا قبول plea bargain را دارد. مگر قبل از اجرای آن قاضی باید استماع دعوی را در یک محکمه علنی راه اندازی نموده آنرا ثبت و مدعی علیه را شخصاً راجع به جواب دعوی مطلع بسازد.

ج - قاضی باید از این لحاظ خود را مطمئن بسازد که مدعی علیه شخص باکفایت بوده، مشوره از یک وکیل گرفته فهم در باره ماهیت اتهامات دارد، از حد اکثر مجازات با خبر است.

د - قاضی باید واضح سازد که اساسات قانونی برای وارد نمودن این اتهامات موجود است، تا مدعی علیه اتهامات پذیرفته و در اثر فشار و تهدید اقرار به جرم نکرده باشد.